

رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان

The Relationship between marital satisfaction & happiness with working women

Abbas Rohani(ph.D)
Abas1345r@yahoo.com

Homeyra Aboutalebi(M.S)

دکتر عباس روحانی
استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

حمیرا ابوطالبی
روانشناس بخش ضایعه نخاعی بیمارستان روانپزشکی و توانبخشی
شهید رجایی اصفهان

Abstract

The aim of study was investigation to relationship between marriage satisfaction and happiness with type employment among working women in Isfahan city. In this study, 90 women working in one of three occupational groups of Medical Sciences, Art and engineering among all employed married women 44-24 years with at least 2 years of marital life and at least one common child, one of three groups to learn job cluster sampling and were selected randomly. Research tools was includes enrich marital satisfaction questionnaire and Oxford scale. analysis method one way analysis of variance, Student t test and Pearson correlation test was used. Analyze results show that marital satisfaction and happiness in three occupational groups of Medical Sciences, Engineering - Engineering and art is a significant difference in happiness groups (Medicine, Engineering - Engineering) and (technical - engineering, art) is significant: but in groups (Medical Science, art) is Meaningful: The difference in marital satisfaction groups (Medicine, Engineering - Engineering), (Medical Science, art) is significant as active groups (Technical - Engineering - Art) is significant and positive correlation between marital happiness there.

Key Words: Marital Satisfaction; Happiness; Employment

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان بود. در این تحقیق ۹۰ زن شاغل در یکی از سه گروه شغلی علوم پزشکی، هنر و فنی - مهندسی از بین کلیه زنان متأهل شاغل ۴۴-۲۴ سال با حداقل ۲ سال سابقه زندگی مشترک زناشویی و حداقل یک فرزند، در یکی از سه گروه شغلی یاد شده به روش نمونه گیری خوشه ای و تصادفی ساده انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه شادکامی آکسفورد بود. برای تحلیل اطلاعات از روش های تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون تی و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت رضایت زناشویی و شادکامی در سه گروه شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر معنادار است، تفاوت شادکامی در گروه های (علوم پزشکی، فنی - مهندسی) و (فنی - مهندسی، هنر) معنادار نیست: ولی در گروه های (علوم پزشکی، هنر) معنادار است: تفاوت رضایت زناشویی در گروه های (علوم پزشکی، فنی - مهندسی)، (علوم پزشکی، هنر) معنادار است و در گروه های (فنی - مهندسی - هنر) معنادار نیست و بین شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت وجود دارد.

کلید واژه‌ها: رضایت زناشویی،

شادکامی، اشتغال

مقدمه

خانواده یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی است. در طی قرون متمادی این نهاد مقدس، همواره تحت تأثیر فرهنگ، ایدئولوژی های حاکم و شرایط اقتصادی، دچار تغییر و تحول شده است. به عنوان مثال پس از انقلاب صنعتی، همگام با صدور تکنولوژی تغییراتی در ساخت اقتصادی و کارکرد خانواده و نقش اعضای آن به وجود آمد. بالطبع زنان هم به عنوان عضوی از اعضای خانواده، از این تغییرات ساختی بی بهره نمانده و با دگرگونی های عمده ای مواجه گردیده اند (عنایت، ۱۳۷۱).

در جهان امروز مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی روبه رشد می باشد سهم زنان در نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. در مرحله اول، انگیزه اصلی کار برای زنان مسائل اقتصادی بود و منجر به ایجاد طبقه زنان کارگر شد. امروزه علاوه بر انگیزه اولیه، زنان طبقه متوسط و حتی مرفه نیز نه تنها برای بهبود وضعیت اقتصادی، بلکه برای موفقیت های فردی خودشان، موقعیت اجتماعی مناسب و سایر امتیازاتی که به دنبال اشتغال به دست می آورند، به کار خارج از منزل تمایل دارند (جوهری پارک^۲، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیق رپتی^۳ (۱۹۸۴) درباره خانواده هایی که زن و شوهر هر دو شاغل می باشند، نشان داد: زنانی که رضایت شغلی بالاتری دارند بیشتر از زنان خانه دار از زندگی زناشویی خود لذت می برند و احساس بهتری نسبت به فرزندان خود دارند. ولی این زنان معمولاً استرس ها و گرفتاری های کاری خود را به منزل می آورند. در دنیای صنعت زن و شوهر هر کدام در جایی باید سرگرم تهیه نان و معیشت باشند و با کوشش فراوان به کسب درآمدی برای ادامه زندگی بپردازند. بدیهی

است که در چنین شرایطی وضعیت کامل خانواده دگرگون شده و کودکان در اماکنی جدا از خانه یعنی در مهدها و کودکانستان ها رشد می کنند و بالطبع تحت تأثیر تربیتی و رای سبک تربیتی والدین قرار می گیرند. کار زن و شوهر در دو محیط جدای از هم است. مرد در اداره یا کارخانه ای کار می کند که گاهی فرسنگ ها با خانه فاصله دارد و زن در اداره یا کارگاهی دیگر و نیز گاهی اوقات زن و شوهر در دو شیفت متفاوت مشغول کارند؛ یکی روز، دیگری شب و در چنین صورتی طبیعی است که دیدارشان به ندرت اتفاق می افتد و فقط به یکی دو روز آخر هفته موقوف می شود؛ چنین وضعیتی خانواده را از حالت تعادل خارج می سازد و تأثیرات زیانباری بر افراد آن به جا می گذارد (مظاهری، ۱۳۷۵).

بررسی ها نشان می دهند حضور زنان در پست های مدیریتی، کرسی پارلمان و رشته های فنی و مهندسی بسیار کمتر از مردان می باشد. اغلب زنان در کارهایی که نیاز به شیفت شبانه دارند، مشغول نمی شوند (به جز در پزشکی) همچنین شغل هایی که دارای مأموریت های دائمی باشند، را بر نمی گزینند. زنان بیشتر به کارهای خانه و فعالیت های ذوقی و هنری، علاقه نشان می دهند و بیشتر مشاغلی را می پسندند، که در آنها نیازی به جابجا شدن نباشد؛ و یا کارهایی را دوست دارند که در آنها باید مواظبت و دلسوزی بسیار به خرج داد؛ مانند مواظبت از کودکان و اشخاص عاجز و بینوا. زنان دلجویی و همدردی نشان می دهند، و از مردان کم روتر و ریزه کارتر و از نظر ذوقی حساس تر می باشند (سفیری، ۱۳۷۷).

همچنان که زنان بیش از پیش به عنوان نیروی انسانی به بازار کار راه می یابند، مردان رفته رفته مسئولیت های خانوادگی و مراقبت از فرزندان را پذیرا شده اند. البته هنوز هم بخش اعظمی از فعالیت های منزل به عهده

1- Juhhe park

3 - Reptti

افسوس و سایر اضطراب های روانی و احساسی در محیط کار نمی‌کاهد. (مالارکی^۴، ۱۹۹۰).

دیوید هال^۵ (۱۹۹۶) در تحقیقی تحت عنوان «فشار شغلی، فشار روانی و مشکلات سلامتی جسمانی در زنان شاغل تمام وقت و زنان خانه دار» به این نتیجه رسید که با افزایش سنگینی نقش در زنان شاغل، نارضایتی های زناشویی نیز فزونی می‌یابد.

ویلیام ساکو^۶ (۱۹۹۳) از تحقیقات خود نتیجه گرفت: زنان شاغلی که به طور نیمه وقت به کار اشتغال دارند از نظر میزان رضامندی زناشویی در سطح بالاتری از زنان خانه دار قرار دارند و در مقابل زنان شاغلی که به طور شیفتی و شب ها مشغول به کار هستند، نسبت به زنان شاغل دیگر رضامندی زناشویی پایین تری دارند.

اغلب زنان شاغل به دلیل مسئولیت دوگانه ای که بر عهده آنهاست با تعارض نقش مواجه می‌باشند. تعارض نقش، به طور عمده در میان زنانی وجود دارد که بیشتر به سوی خانواده گرایش دارند، به حد کافی از شغل خود راضی نبوده و در محیط کارشان روابط مطلوبی ندارند. این افراد معمولاً چه در مجموعه کاری و چه در خانواده از حمایت های لازم روانی - اجتماعی برخوردار نیستند. یک جو روانی نامطلوب در محیط کار، فقدان تفاهم و حمایت از جانب همکاران، مدیر و افراد خانواده، زمینه روانی ناسالمی را ایجاد و نیز ایفای نقش حرفه ای را برای یک زن مشکل تر کرده و سرانجام منجر به تعارض نقش می‌شود. تعارض نقش ممکن است از نگرش منفی شوهر نسبت به کار همسر، افکار ریاست مدارانه شوهر نسبت به نقش زن در خانواده، فقدان حمایت و شراکت در انجام کارهایمیان افراد خانواده و مشکلات مربوط به مراقبت از فرزندان، ناشی شود. در جامعه فعلی تعارض نقش ها، ریشه در

زنان می‌باشد. در بعضی مواقع بی‌حد و حساب بودن برنامه کاری و اشتیاق و تمایل همسران در عرصه فعالیت شغلی سبب گردیده تا آنان وقت و انرژی خود را که باید به زندگی خانوادگی اختصاص دهند، محدود سازند و در نتیجه کیفیت زندگی خانوادگی آنان تحت الشعاع قرار گرفته است. استرس ها و تمایل نامحدود کاری غالباً تأثیرات منفی بر روی مناسبات خانوادگی، خوشبختی و سلامت روحی و روانی و رضایت مندی زناشویی دارد (فروتن، ۱۳۸۲).

سهم زنان دارای کار طی ده سال اخیر در کشور آمریکا بیش از ۴۰ درصد رشد داشته است. افزایش مشارکت زنان در نیروی کار با افزایش سرمایه گذاری در آموزش دختران به هم پیوسته است و این امر موجب افزایش سن ازدواج و سن حاملگی برای زنان گردیده است. تفکیک جنسی مشاغل و حرفه ها به آهستگی در حال تغییر است. عقاید قالبی در مورد زنان از قبیل فرزندزایی، مطیع بودن، مواظبت از بچه و کارخانگی، گرچه اندکی تغییر یافته، ولی هنوز به قوت خود باقی است (صادقیان، ۱۳۸۳).

در یک مطالعه انجام شده طی سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ در کانادا نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

۱- استخدام تمام وقت زنان و مادران خانواده ها، اضطراب والدین در مورد رفاه کودک را افزایش داده و لذا بر روابط زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد. استخدام تمام وقت زنان آنان را در انجام کارهای مربوط به خانه سست نموده و هر چند شوهران و فرزندان شان هم به آنان کمک کنند، چون مسئولیت اصلی به عهده خودشان می‌باشد، لذا باعث تأثیر خاطر زنان گردیده و بر روی آنان اثر می‌گذارد.

۳ - افزایش روز افزون مهد کودک ها و سایر سیاست هایی که برای رفع مشکل زنان شاغل به کار بسته می‌شود هرگز از میزان نگرانی، خستگی جسمی،

1- Malarky
5 - David Hall
6 - Sacco

تا در انجام وظایف خود درمانده نشود و احساس خوشبختی و شادکامی خود را حفظ نماید. زیرا با وجود این که در کشور ما خانواده زن و شوهری در حال رواج یافتن است، شبکه های خویشاوندی هنوز هم بسیار مهم و کارساز می باشند (دانشمندی، ۱۳۷۵).

کمپبل^۸ و همکاران (۱۹۷۶) ضمن انجام پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که: خشنودی افراد از زندگی خود به میزان بالایی به نوع شغل آنها بستگی دارد؛ به گونه ای که اثر شغل روی خشنودی از زندگی، حتی از اثر ازدواج و زندگی خانوادگی روی آن نیز بالاتر است. بلانر^۹ (۱۹۶۰) دریافت: از لحاظ میزان لذتی که افراد از مشاغل خود می برند، تفاوت های زیادی بین آنها وجود دارد؛ به گونه ای که رقم آن برای صنعت گران ماهر ۴۱، صنعت گران غیر ماهر ۲۱ و برای گروه های هنری، ۸۲ می باشد.

روش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان متأهل شاغل در گروه های علوم پزشکی، فنی-مهندسی و هنر شهر اصفهان در نظر گرفته شد، که سن آن ها بین ۲۴ تا ۴۴ سال بوده و حداقل ۲ سال از ازدواج آنان می گذشت. نمونه های پژوهش با روش زیر از بین جامعه مذکور انتخاب شد.

از بین ۸ بیمارستان بزرگ اصفهان بر اساس نمونه گیری تصادفی بیمارستان الزهرا انتخاب شد و ۳۰ عدد پرسشنامه بین آزمودنی های مربوطه به طور کاملاً تصادفی توزیع گردید.

از چهار منطقه صنعتی اصفهان، یک منطقه (منطقه صنعتی جی) به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شد، سپس سه کارخانه دارای مستخدمین زن به صورت خوشه ای از بین ۱۶ کارخانه با این مشخصه، واقع

نگرش منفی به کار زنان و بی اهمیتی به زندگی خانوادگی دارد (نویکوا^۷، ۱۹۸۸).

بررسی مطالعات محققین، دو دیدگاه را در زمینه نتایج مشارکت زنان در نیروی کار سلامت روانی آنان مطرح می نماید. اولین دیدگاه بر فواید اشتغال تأکید می کند و معتقد است اشتغال می تواند موجب تقویت عزت نفس، موقعیت اجتماعی و خود اتکایی در زن گردد و در مجموع تأثیر مثبتی بر بهداشت روانی زنان دارد. اما دیدگاه دیگر حاکی از آن است که اشتغال زنان اگرچه خود اتکایی آنان را افزایش می دهد، اما آنها را بیشتر در معرض فشارهای روانی قرار می دهد؛ زیرا عواملی مانند تبعیض های شغلی در مقایسه با مردان، انجام کارهایی که بالقوه استرس زا هستند مانند پرستاری و مامایی، مشاغل با درآمد پایین اما انتظارات زیاد، علی رغم اختیارات محدود از یک سو و مسئولیت هایی مانند انجام کارهای خانه، وظایف همسری و مراقبت از فرزندان و والدین مسن از دیگر سو، زنان را دچار تضاد بین نقش های شغلی و خانوادگی نموده و سبب کشمکش های روحی آنان می شود. تداخل نقش های چندگانه سبب کاهش کیفیت کار، اختلافات زناشویی، انتقال رنج و ناراحتی والدین به کودکان و صدمه به کیفیت زندگی و کاهش سلامت روانی آنان می گردد (انجذاب و همکاران، ۱۳۸۲).

به نظر دورکیم اشتغال زن باعث استقلال، افزایش اعتماد به نفس و امیدواری او می شود؛ همچنین موجب می گردد او خود را عضو مفید و سازنده ای از جامعه بداند و ضمن همکاری و مشارکت با همسرش در انجام کارهای منزل، همبستگی خود را با سایر اعضای خانواده محکم تر سازد (شفیع آبادی، ۱۳۸۴).

زن شاغل دارای فرزند، باید هر چه بیشتر از طرف خانواده خود یا خانواده شوهر مورد حمایت قرار گیرد.

⁸ - Campbell

⁹ - Blauner

1- Novikova

۱۳۷۸ در ایران برای بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه صورت گرفته است آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمده است. در این پژوهش پنج عامل مشخص شد و این عامل ها جمعاً ۵۷/۱٪ واریانس کل را تبیین می کنند. پایایی دو نیمه کردن آزمون نیز ۰/۹۲ بود. برای بررسی روایی این پرسشنامه با استفاده از قضاوت دوستان دو بررسی انجام شده است. آرجیل و همکاران (۱۹۸۹) از دانشجویان خواستند تا دوستانشان را بر اساس یک مقیاس ده درجه ای از شادکامی درجه بندی کنند که همبستگی میان این درجه بندی و پرسشنامه شادکامی آکسفورد، ۰/۴۳ بود. در تحقیق علی پور و نوربالا که در ایران انجام شد، روایی صوری پرسشنامه از ۱۰ کارشناس نظرخواهی شد که همگی توان سنجش شادکامی توسط این آزمون را تأیید کردند.

مقیاس رضایت زناشویی انریچ

السون و همکاران در سال ۱۹۸۹ از این پرسشنامه که توسط آن ها ساخته شده بود برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده و معتقدند که این مقیاس به تغییراتی که در طول حیات آدمی رخ می دهد مربوط می شود. پرسشنامه به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است؛ که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می شود. البته دادن امتیاز بایستی بر اساس کلید پرسشنامه انریچ داده شود، چون برخی از سوالات از ۵ به ۱ نمره گذاری می شوند. در پژوهش مهدویان ضریب همبستگی پیرسون در روش بازآزمایی (به فاصله یک هفته) برای گروه مردان ۰/۹۳۷، برای گروه زنان ۰/۹۴۴، و برای گروه زنان و مردان ۰/۹۴ به دست آمد. ضریب آلفای فرم ۴۸ سؤالی پرسشنامه در پژوهش میرخشتی (۱۳۷۵) ۰/۹۲، و در فرم ۴۷ سؤالی پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) ۰/۹۵، به دست آمده است. ضرایب همبستگی پرسشنامه انریچ، با مقیاس های رضایت

در قطب صنعتی مذکور، انتخاب و ۳۰ نسخه پرسشنامه بین پرسنل فنی-مهندسی زن شاغل در این کارخانه ها به صورت کاملاً تصادفی توزیع شد. ۳۰ نسخه پرسشنامه نیز میان هنرمندان زن شاغل در حوزه هنری اصفهان به صورت کاملاً تصادفی توزیع گردید.

ابزار

در این پژوهش از دو مقیاس شادکامی آکسفورد و رضایت زناشویی انریچ جهت سنجش دو متغیر شادکامی و رضایت زناشویی استفاده شده است. ویژگی های این دو مقیاس به شرح زیر می باشد.

مقیاس شادکامی آکسفورد

این مقیاس یک ابزار ۲۹ سؤالی برای ارزیابی شادکامی می باشد. این ابزار در سال ۱۹۸۹ توسط آرجیل^۱ و لو^۲ تهیه شده است. این پرسشنامه ۲۹ ماده چهارگزینه ای دارد که گزینه های آن به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره گذاری می شوند و جمع نمرات مواد ۲۹ گانه، نمره کل مقیاس را تشکیل می دهد. نمره کل آزمودنی از ۰ تا ۸۷ در نوسان است.

آرجیل و همکاران ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۳۴۷ آزمودنی و نور^{۱۲} (۱۹۹۳) با فرم کوتاه تری از پرسشنامه شادکامی آکسفورد آلفای ۰/۸۴ را با ۱۸۰ آزمودنی به دست آورده اند. در بررسی فرانسویس^{۱۳} (۱۹۹۸) آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمده است. همچنین فرانسویس و همکاران در یک بررسی میان فرهنگی در کشورهای انگلیس، آمریکا، استرالیا و کانادا به ترتیب ضرایب آلفای ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۹ را گزارش کرده است. در پژوهشی که توسط علی پور و نوربالا در سال

1- Argyl
2- Lu
3- Noor
4- Francis

فرضیه اول: بین میزان رضایت زناشویی زنان در گروه های شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر تفاوت وجود دارد.

به منظور مقایسه میانگین نمره های رضایت زناشویی در سه گروه شغلی یاد شده، از آزمون F استفاده شد. مقدار F محاسبه شده ۱۰/۳۰۱ است؛ که در سطح خطا پذیری ($P < ۰/۰۰۱$) یعنی با اطمینان ۹۹/۹٪ تأیید می شود؛ بنابراین تفاوت رضایت زناشویی زنان در سه گروه شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر معنادار است.

جدول ۲: تحلیل واریانس یک طرفه بین رضایت زناشویی زنان در سه گروه شغلی علوم پزشکی، فنی -

مهندسی و هنر				
منابع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار سطح معناداری
بین گروه ها	۲۱۶۷/۸۲۲	۲	۱۰۸۳/۹۱۱	۰/۰۰۱
درون گروه ها	۹۱۵۴/۶۳۳	۸۷	۱۰۵/۲۲۶	۱۰
جمع	۱۱۳۲/۴۵۶	۸۹		

فرضیه دوم: بین میزان شادکامی زنان در سه گروه شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر تفاوت وجود دارد. به منظور مقایسه میانگین نمره های شادکامی در سه گروه شغلی یاد شده، از آزمون F استفاده شد. مقدار F محاسبه شده ۳/۳۵۱ است؛ که در سطح ($P < ۰/۰۰۵$) یعنی با اطمینان ۹۹/۹٪ تأیید می شود؛ بنابراین تفاوت شادکامی زنان در سه گروه شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر معنادار است.

جدول ۳: تحلیل واریانس یک طرفه بین شادکامی زنان در سه گروه شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر

منابع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار سطح معناداری
بین گروه ها	۳۹۴/۸۲۲	۲	۱۹۷/۴۱۱	۰/۰۰۵
درون گروه ها	۵۱۲۵/۶۳۳	۸۷	۵۸/۹۱۵	
جمع	۵۵۲۰/۴۵۶	۸۹		

خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس های رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است؛ که نشان دهنده روایی آن است.

یافته ها

نتایج در دو قسمت شامل یافته های توصیفی و یافته های مربوط به فرضیه ها تنظیم شده است

جدول ۱: شاخص های توصیفی نمره های رضایت

زناشویی و شادکامی در گروه های شغلی علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر

متغیرها	تعداد	میانگین	کمترین نمره	بیشترین نمره	انحراف استاندارد
رضایت	۳۰	۷۶۷/۱۵۹	۱۲۹	۱۷۲	۱۰/۶۳۴
زناشویی	۳۰	۳۰۰/۱۶۸	۱۴۵	۱۹۱	۱۱/۲۷۸
فنی - مهندسی	۳۰	۳۶۷/۱۷۱	۱۴۵	۱۹۱	۱۱/۲۷۹
هنر	۳۰	۳۶۷/۱۶۶	۱۴۵	۱۹۱	۱۱/۲۷۹
کل	۹۰	۴۷۸/۱۶۶	۱۲۹	۱۹۱	۱۱/۲۷۹
شادکامی	۳۰	۴۳/۵۳	۳۱	۶۰	۸/۸۳
فنی - مهندسی	۳۰	۴۵/۶۰	۲۹	۶۱	۹/۰۲
هنر	۳۰	۴۸/۶۳	۳۹	۵۸	۴/۱۷
کل	۹۰	۴۵/۹۲	۲۹	۶۱	۷/۸۸

در جدول ۱ یافته های توصیفی پژوهش حاضر ملاحظه می گردد و شامل میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین میزان شادکامی و رضایت زناشویی در سه گروه علوم پزشکی، فنی - مهندسی و هنر می باشد.

تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها به تفکیک هر فرضیه

در این قسمت به آزمون فرضیه های پژوهشی پرداخته می شود.

آزمون t به منظور مقایسه میانگین نمره های رضایت زناشویی و شادکامی زنان شاغل در دو گروه شغلی علوم پزشکی و هنر اجرا شد. بر اساس تحلیل های به عمل آمده، تفاوت نمره های رضایت زناشویی و شادکامی آزمودنی ها در دو گروه شغلی مذکور با استفاده از آزمون t، معنادار است و فرضیه ۵ در سطح خطاپذیری ($P < 0/01$) و با اطمینان ۹۹/۹٪ تأیید می شود.

فرضیه ششم: بین میزان رضایت زناشویی و شادکامی زنان شاغل در دو گروه شغلی فنی - مهندسی و هنر تفاوت وجود ندارد. با توجه به تجزیه و تحلیل آماری داده ها، تفاوت رضایت زناشویی و شادکامی در دو گروه شغلی فنی - مهندسی و هنر معنادار نیست. که بدین ترتیب فرضیه ششم تأیید نمی گردد.

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به نتیجه پژوهش حاضر بین رضایت زناشویی و شادکامی زنان در گروه های شغلی علوم پزشکی، فنی-مهندسی و هنر تفاوت وجود دارد. بنابر این زنان می توانند با انتخاب شغل مناسب و مورد دلخواه خود سطح بالایی از رضایت زناشویی و شادکامی را تجربه نمایند، و از آن جایی که زن یکی از مهم ترین اعضای خانواده و مسئول تامین آرامش و ایجاد محیطی امن و سرشار از عواطف برای همسر و فرزندان خود می باشد، توجه به رضایت و شادکامی او امری بسیار مهم است.

همچنین با توجه به رابطه مثبتی که بین شادکامی و رضایت زناشویی به دست آمد، این نتیجه حاصل می شود که با آموزش مهارت های زندگی سالم از جمله ورزش، تفریح، ارتباط صمیمانه با دوستان سطح شادکامی افراد جامعه را بالاتر برده و بالطبع زندگی زناشویی آنها را تحت تأثیر قرار دهند و رضایت زناشویی بالاتری بین زوجین ایجاد نمایند. چون به احتمال زیاد وقتی شخص از زندگی خود خشنود و راضی باشد و از لحظات زندگی اش احساس شادی و لذت نماید این

فرضیه سوم: بین شادکامی و رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین دو متغیر شادکامی و رضایت زناشویی زنان، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد؛ I محاسبه شده (۰/۶۲) است. ضریب تعیین در این رابطه ۳۹/۳٪ به دست می آید، یعنی ۳۹/۳٪ از واریانس شادکامی ناشی از رضایت زناشویی می باشد.

فرضیه چهارم: بین میزان رضایت زناشویی و شادکامی زنان شاغل در علوم پزشکی و فنی - مهندسی تفاوت وجود دارد.

آزمون t به منظور مقایسه میانگین نمره های رضایت زناشویی و شادکامی زنان شاغل در دو گروه شغلی علوم پزشکی و فنی - مهندسی اجرا شد.

جدول ۴: آزمون t به منظور مقایسه رضایت زناشویی و شادکامی زنان شاغل در دو گروه علوم پزشکی و فنی - مهندسی

متغیرها	گروه ها	تعداد	میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
رضایت زناشویی	علوم پزشکی	۳۰	۱۵۹/۷۶۷	۳/۰۱۵	۵۸	۰/۰۰۴
	فنی مهندسی	۳۰	۱۶۸/۳۰۰			
شادکامی	علوم پزشکی	۳۰	۴۳/۵۳	۰/۸۹۷	۵۸	۰/۳۷۴
	فنی مهندسی	۳۰	۴۵/۶۰			

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۴، تفاوت نمره های رضایت زناشویی آزمودنی ها در دو گروه شغلی مذکور با استفاده از آزمون t، معنادار است ($P < 0/004$) و $t=3/015$ ، اما تفاوت نمره های شادکامی آزمودنی ها در دو گروه علوم پزشکی و فنی - مهندسی معنادار نیست ($t=0/897$).

فرضیه پنجم: بین میزان رضایت زناشویی و شادکامی زنان شاغل در علوم پزشکی و هنر تفاوت وجود دارد.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۲). **تأثیرات اشتغال زنان بر مناسبات زناشویی و خانواده**. روزنامه ابرار، ص ۱.
مظاهری، علی اکبر (۱۳۷۵). **جوانان و انتخاب همسر**. چاپ اول. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

- Argyl, M., Lu. L. (1989). **The happiness of extraverts**. Personality and Individual Differences, 11, 1011-1017.
- Blauner, R. (1960). **Work satisfaction and industrial trends in modern society**. In W.Galenson & S.M.Lipset (Eds.), Labor and Trade Unions, 339-342. New York: Wiley.
- Campell, A., Converse, P.E., & Rogers, W. L. (1976). **The Quality of America Life**. New York: Sage.
- Francis, L., J., Brown, I. B., Lester, D., Philipchalk, R. (1998). **Happiness as stable extraversion: a cross cultural examination of the reliability and validity of the oxford Happiness Inventory furnham**. Psychological Report 80,761-762.
- Hall, D. (1996). **Marriage as abure relationship**. Journal of comparative family studies, vol 27, pp 1-12
- Haw, C. E (1995). **The family lif cycle**. Psychological medicine, 25, 249-250.
- Juhee park(2000). **The effect multiple roles of south Korean married women professor: role changes and the factors which influence potential role Gratification ad strain**. Sex roles : A journal of Research. Oct. 2000.
- Malarky, R. (1990). **Marital relationship and Canadian women in the urbar force**. In ternational Journal of sociology of the family, 20, 163-164.
- Noor, N. (1993). **Work and family roles in relation to women's social psychology**.
- Novicova, M., Zaliu, B (1988). **Moder women at work and home**. By nauke publishers, EKO, No 8. mosew.
- Saco. W. (1993). **Attributional, perceptual and non depressed marital partners**. Index of psychology, 46.

رضایت، زندگی زناشویی را نیز می تواند تحت تأثیر قرار دهد و سطح آن را ارتقاء دهد. باعنایت به این که عوامل اقتصادی یکی از عوامل تأثیر گذار بر رضایت زناشویی هستند، مسلماً شغلهایی با درآمد متفاوت می توانند رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند. از سوی دیگر، فشار زایی مشاغل مختلف با هم متفاوت است و همین امر موجب می شود افراد از شغلهای متفاوت به یک میزان خشنود و راضی نباشند. همچنین این فشارزایی متفاوت مشاغل منجر به احساس شادکامی متفاوت در اشخاص می گردد.

منابع

- انجذاب، بهناز؛ فرج خدا، تهیمه؛ خوشبین، اعظم (۱۳۸۲). **اشتغال و تأثیر آن بر سلامت روانی زنان**. نشریه تحقیقات و علوم رفتاری، سال اول، شماره ۱، ص ۴۵.
- دانشمندی، فاطمه (۱۳۷۵). **بررسی میزان احساس خوشحبتی زنان متأهل شاغل به امور فرهنگی**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). **جامعه شناسی اشتغال زنان**. چاپ اول. موسسه فرهنگی انتشارات تبیان. تهران.
- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). **بررسی رابطه باورهای غیر منطقی با رضامندی زناشویی در دانشجویان متأهل**. پایان نامه ارشد مشاوره و دانشگاه تربیت معلم. تهران.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۴). **اشتغال زن، محاسن و محدودیت ها** چکیده مقالات، پنجمین سمینار انجمن مشاوره ایران. صادقیان، حسن محمد (۱۳۸۳). **روند اشتغال زنان**. مجله کار و جامعه، شماره ۵۷، ص ۱۱.
- علی پور، احمد و نوربالا، احمد علی (۱۳۷۸). **بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاههای تهران**. نشریه اندیشه و رفتار، سال پنجم، شماره ۱، ص ۱۱-۱.
- عنایت، حلیمه (۱۳۷۱). **تأثیر اشتغال گروهی از مادران بر مراقبت از کودکان در شهر شیراز**. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره اول و دوم، دوره هفتم، ص ۱۰۶-۱۰۱.